

موفقی شدیم



بود تمرکز داشتیم و در کنارش روانشناسی را هم دنبال می‌کردم. اجرای تئاتر حرفه‌ای در فرانسه کار آسانی نیست و باید کلی مجوز گرفت.

آیا در دوران اقامت تان در فرانسه با دکتر علی رفیعی هم ارتباط داشتید؟

نه، زمانی که به فرانسه رفتم دکتر رفیعی به ایران بازگشته بود.

آیا در قبل از انقلاب پیش‌نهاد بازی در فیلم‌های ایرانی را داشتید؟

من تمرکز روی تئاتر بود و البته چند فیلمنامه را بازنویسی کردم. مثل فیلم غبار نشین‌ها که داود روستایی آن را ساخت.

با بازی در پاییز صحرا و ایفای نقش ساسان موفقیت سریال باعث شد برای مخاطب عام چهره آشنایی بشوید. بازی در این سریال چگونه شکل گرفت؟

سال ۱۳۶۳ اسدالله نیک‌نژاد از من دعوت به همکاری کرد.

آیا قبل از انقلاب هم با نیک نژاد آشنا بودید؟

در سال‌های میانی دهه پنجاه در پارکی پایین شهر تهران (بیسیم نجف آباد) که مرکز مددکاری اجتماعی داشت و سالن کوچکی بود و تعدادی جوان دبیرستانی گروه‌های تئاتری به وجود آورده بودند و چند تا از این دانش آموزان روزی که من از دانشگاه بیرون می‌رفتم به من گفتند که احتیاج به راهنمایی از سوی فردی دانشگاهی دارند و دوستی شما را معرفی کرده است و من با کمال میل به آنها کمک کردم.

چه کسانی عضو این گروه‌ها بودند؟

عبدالرضا اکبری، مهدی میامی، جعفری، پرویز پرستوی، کریم اکبری مبارک، نسیرین پاک‌خو و اسدالله نیک‌نژاد و تعدادی دیگر.

این آشنایی با نیک نژاد منجر به بازی شما در پاییز صحرا شد؟

بله، فیلمنامه را خواندم و برایم جذاب بود. دوره‌ای برای ایفای نقش‌ها تمرین داشتیم.

آیا پیش بینی می‌کردید سریال بین مردم اینقدر موفق باشد؟

کست بازیگری سریال از بهترین‌های آن دوران مثل شیخی و مشایخی و داور فر شکل گرفته بود و حضور مهرداد فخمی به عنوان فیلمبردار و داستان جذاب از علل موفقیت سریال بین مردم بود.

با توجه به صدای خاص و جذاب شما آیا موافق بودید که خسرو شاهی به جای شما در سریال گویندگی کند؟

من موافق بودم و زمان تدوین نیک نژاد من را دعوت کرد تا نظرم را بیان کنم و گفت که برای نقش من خسرو شاهی را در نظر گرفته‌اند. البته من سفری داشتم و نمی‌توانستم دوبله کنم. جلساتی با خسرو شاهی داشتم و اکت‌های برخی از سکانس‌های بازی‌ام را توضیح دادم تا در کار دوبله بهتر عمل کند. البته مشکلاتی برای نمایش سریال به وجود آمد و قرار شد قبل از پخش هر قسمت برنامه آموزشی درباره طلاق و خانواده پخش شود و تهیه‌کننده و تلویزیون اصرار داشتند که من این برنامه را به همراه کارشناسی اجرا کنم.

در دهه شصت کارهای ماندگاری از چخوف و تولستوی در قالب سریالها و نمایش‌های تلویزیونی ارائه کردید. چقدر این اقتباس‌ها برایتان جذابیت داشت؟

همیشه در تلویزیون کارهای را بازی و یا کارگردانی کرده‌ام که به آنها علاقه داشتم و به همین دلیل برای ساختن زحمت زیادی کشیده‌ام و الحمدلله آثار محبوب و پر مخاطبی بوده‌اند. البته در سال‌های اخیر طرح‌هایی هم برای سریال سازی ارائه کرده‌ام که همچنان در پیچ و خم تصویب قرار دارد چرا که متأسفانه نظام تصویب طرح و فیلمنامه بر حسب ورود هر مدیر جدیدی در شبکه‌های مختلف متفاوت بوده است.

در سریال طنزی مثل مش خیرالله و صندوقچه اسرار ضمن پرداختن به کمدی مروری هنرمندانه به شرایط زیست مردم در آن دوران داشتید. این نوع نگاه برایتان بر اساس چه شرایطی به وجود آمد؟

این وجه قضیه هم برایم بسیار حائز اهمیت بود که در این کارها به زندگی و شیوه زیست مردم جامعه که عموماً هم طبقه متوسط هستند بپردازم. در تئاتر و سریال سازی همیشه به کار گروهی اعتقاد داشته‌ام و معتقدم پرداختن به کار گروهی عامل موفقیت یک سریال می‌تواند محسوب بشود. الان هم در سال‌های اخیر دوباره گروه تئاتر مردم را احیا کرده‌ام و متن‌هایی را روی صحنه اجرا می‌کنم. یادم می‌آید در سال ۱۳۶۱ تله تئاتری با عنوان شیری در سیرک در تلویزیون کار کردم. اثری که به وجوه مختلف اجتماعی و فرهنگی می‌پرداخت. امیدوارم بسترهای مناسب برای ادامه کار هنرمندان با سابقه در تلویزیون مهیا شود و مشتاق هستم که این تجربیاتم را بتوانم به نسل‌های جوان منتقل کنم و سریال‌هایی را بسازم که ضمن داشتن مسائل سرگرم‌کننده و شاد بتواند بخشی از مطالبات، خواسته‌ها و دغدغه‌های مردم را عرضه کند.

بود و از طنز نویسان درجه یکی بود و در روزنامه توفیق نیز قلم می‌زد.

آیا شما هم در توفیق مطلب می‌نوشتید؟

بله، در توفیق بود که با بهروز نسب آشنا شدم.

در چند اثر ساخته شما، اکبر عبدی حضور موفقی داشت؟

اکبر عبدی در سفر به خیر نقش دو برادر یزدی و اصفهانی را با تسلط درست به لهجه بازی کرد. عبدی قابلیت‌های کمدی زیادی دارد.

آیا شما اکبر عبدی را برای بازی در محله برو و بیا انتخاب کردید؟

بله، با همکاری مسعود رسام و بیژن بیرنگ متن کامل و به انتخاب بازیگران رسیدیم و سال ۱۳۶۰ به تازگی از فرانسه برگشته بودم و بازی جبلی و عبدی را در تئاتر دیده بودم. آتیلا پسیانی را از انقلاب می‌شناختم. محمود جعفری نیز از شاگردانم بود.

در فرانسه چگونه روزگار گذرانید؟

همانطوری که اشاره کردم یکی از دغدغه‌هایم نوشتن داستان برای رادیو و تنظیم متون بود و برای تنظیم متن‌ها شروع به فراگیری زبان فرانسه و انگلیسی کردم و از سال ۱۳۴۸ ترجمه‌های زیادی انجام دادم. در انجمن ایران - فرانسه کتابخانه جذابی بود و خیلی از متن‌ها را از این کتابخانه تهیه کردم. بعد از اتمام تحصیل در دانشگاه هنرهای دراماتیک، فلسفه و روانشناسی و ادبیات خواندم. چون دانشجوی ممتاز دانشگاه بر حسب معدل شدم و بعد از معرفی‌ام به وزارت علوم و وزارت فرهنگ و هنر بورسیه تحصیلی به دست آوردم و من هم سوربن را انتخاب کردم چون شناخت خوبی از ادبیات، تئاتر و زبان فرانسه داشتم.

با چه کسانی در فرانسه ارتباط داشتید؟

بیشتر با دکتر ابوالقاسم پرتوی و همسرشان لادن خزاعی که خواهر ملک جهان خزاعی بود.

آیا در فرانسه نمایشی هم روی صحنه بردید؟

در فرانسه بیشتر روی مطالعات نمایشی که از دورس دوره دکتر

گلستان و چوبک در آنجا زیست می‌کردند. آیا به همکاری با گلستان در آن سالها فکر کرده بودید؟

پدرم به واسطه همسهری بودن (شیرازی) با ابراهیم گلستان آشنایی و ارتباطی داشت و من را در دوران کودکی به استودیو ابراهیم گلستان می‌بردند. به یاد دارم فیلم مستند آتش که در اطراف قم توسط گلستان ساخته می‌شد در یکی از صحنه‌ها لباس روستایی بر تنم کردند و من جلوی دوربین رفتم. البته در دوران اوج کاری گلستان هنوز وارد فضای حرفه‌ای نشده بودم که بتوانم با ایشان همکاری کنم و گلستان در دهه پنجاه کم کار شد و بعد از مهاجرت کرد.

تجربه دوبله برایتان چگونه بود؟

دوبله را نزد استاد مانی تجربه کردم. ایشان از گویندگان برجسته رادیو بود و من را به دوبله بردند اما چون مشغله تحصیل داشتم نتوانستم فعالیتیم را در دوبله ادامه بدهم. من بچه درس خوان و شاگرد اول کلاس بودم و نمی‌توانستم همزمان با درس به دوبله هم برسم. از چند سال بعد و در سال ۱۳۴۶ که وارد گروه علی نصیریان شدم عزم جدی شد که در تئاتر فعالیتیم بیشتر بشود.

مثل اغلب هنرمندان آن روزگار کارمند اداره تئاتر شدید؟

بله، سال ۱۳۴۷ در اداره تئاتر استخدام شدم.

در سالهای بعد از انقلاب در محله برو و بیسا با رضا زیان توانستید اثری پر مخاطب را روانه آنتن ببرید و در آن بازیگران جوان مستعدی مثل اکبر عبدی و حمید جبلی بازی داشتند که در دهه بعد در سینمای ایران نقش مهمی را ایفا کردند؟

یادش بخیر، بعد از محله برو بیا، سریال محله بهداشت را تولید کردیم. سریالی که جذابیت‌های زیادی برای مخاطب داشت.

علی بهروز نسب هم نویسنده خیلی از کارهای موفق شما بود؟

بله، ایشان خیرالله صندوقچه اسرار، با جناق‌ها و سفر به خیر را نوشته